

## جایگاه رسانه و شبکه‌های اجتماعی در خیزش‌های انقلابی جهان عرب

محمدرضا عشوری مقدم\*

### چکیده

وقوع خیزش‌ها و انقلاب‌های سیاسی در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا به مثابه جنبش‌های نوین اجتماعی در آغاز قرن بیست و یکم، از موضوعاتی است که به شدت مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. در این نوشتار، تلاش شده است تا نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی در آغاز و انجام این قیام‌ها و انقلاب‌ها مورد بررسی قرار گیرد. آنچه در اینجا پیش‌فرض قرار گرفت آن است که اگرچه این تحولات ریشه در نارضایتی عمومی دارد، اما نمی‌توان نقش رسانه‌های اجتماعی را در برانگیختن و سازماندهی مردم برای حضور در خیابان‌ها و میداين و ابراز نارضایتی‌ها نادیده گرفت. بر این اساس، رسانه‌ها در این تحولات، نقشی تعیین‌کننده داشته و بنا بر اقتضای جنبش‌های نوین اجتماعی، در راستای تحریک، برجسته‌سازی و حتی سازماندهی حرکت‌های اعتراضی ایفای نقش نموده‌اند. رسانه‌ها از چنان نفوذی برخوردار بوده‌اند که علاوه بر اطلاع‌رسانی، به الگوسازی در جهت اهداف مورد نظر خود در جوامع انقلابی نیز می‌پرداخته‌اند.

### واژگان کلیدی

رسانه، شبکه‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی، جهان عرب، بیداری اسلامی

## مقدمه

مطالعه انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، امروزه از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی در علوم اجتماعی به شمار می‌رود. در واقع، وقوع انقلاب‌ها در جوامع، زمینه مناسبی برای تحقیقات علمی، طرح، آزمون و اصلاح نظریه‌های انقلاب به وجود آورده است. توجه نظریه‌پردازان انقلاب همواره به مطالعه انقلاب‌های کبیر و متعارف معطوف بوده است، اما ظهور شکل جدیدی از انقلاب‌ها در قرن بیست و یکم در کشورهای عربی به‌ویژه پس از وقوع ناآرامی‌ها در آسیای میانه، زمینه ارزیابی مجدد نظریه‌های موجود در باب انقلاب را فراهم آورده است.

بی‌تردید، خیزش‌های گسترده مردمی در ماه‌های پایانی ۲۰۱۰ و به دنبال آن در ۲۰۱۱ میلادی که منجر به وقوع انقلاب و دگرگونی‌های سیاسی در کشورهای عربی خاورمیانه و آفریقا شد، نظریه‌های موجود در باب انقلاب را دچار ابهام کرده است. آنچه در این بین شایان اهتمام است، رسانه‌ها و اثرگذاری آن‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی و همچنین ایجاد دغدغه‌های یکسان اجتماعی در مورد الگوهایی است که یک رسانه به تبلیغ آن‌ها می‌پردازد. به همین دلیل است که بسیاری از اندیشمندان معاصر به‌عنوان منتقدان فراروایت‌های حاکم بر دنیا همزمان که از رسانه سخن می‌گویند، از سلطه، انحصار و همچنین روابط بازنمایی آن‌ها مبتنی بر تولید قدرت و در نتیجه تولید حقیقت (به تعبیر فوکو) یاد می‌کنند.

امروزه بسیاری به این نکته اذعان دارند که با پیدایش رسانه‌ها، مفهوم اساسی جنگ روانی<sup>۱</sup> به صورتی مشخص ناظر به دستکاری باورها با به‌کارگیری رسانه‌های ارتباطی است (صلاح نصر، ۱۳۸۱، ص ۵۴). بر این اساس، رابطه بین جنبش‌های اجتماعی و رسانه رابطه‌ای مستحکم است که پیدایش رسانه اجتماعی، استفاده از آن را بسیار گسترش داده است (Atton, 2003, p.2).

این نوشتار بر آن است تا به نقش رسانه‌ها در انقلاب‌های به وقوع پیوسته در کشورهای عربی و تحولات ناشی از بیداری جوامع اسلامی منطقه پرداخته، و تا حد ممکن رویکرد غالب رسانه‌ها در قبال اعتراضات مردمی و تحولات کشورها را مورد بررسی قرار دهد. طبیعی است که اولویت در این میان، رسانه‌هایی است که دارای

اثرگذاری بیشتر بوده‌اند و از این رو، تمرکز غالب بر روی شبکه‌های اجتماعی اینترنت و همچنین شبکه‌های تلویزیونی خواهد بود؛ به ویژه آنکه در تحولات کشورهای تونس و مصر، شبکه‌های عرب‌زبان دارای نقش تعیین‌کننده‌ای بوده‌اند. همچنین تحولات کشورهای تونس، مصر، بحرین و یمن نسبت به دیگر کشورها در کانون توجه خواهد بود.

### ۱. چارچوب نظری

#### ۱-۱. افکار عمومی و رسانه

در دنیای معاصر، اخبار در یک لحظه می‌تواند از طریق رسانه‌های خبری در اختیار عموم مردم گذاشته شود، به گونه‌ای که توانسته است مرزهای اجتماعی و سیاسی و ملی را درنوردد. در این چارچوب، رسانه‌ها قادر خواهند بود نقش منعکس‌کننده، تقویت‌کننده و حتی خاموش‌کننده افکار و اخبار را ایفا کنند. با گسترش رسانه‌های خبری، پدیده‌های روانی- اجتماعی مربوط به افکار عمومی نیز هر روز گسترش و اهمیت بیشتری می‌یابد. با افزایش سطح سواد عمومی و گسترش رسانه‌ها، نیروی افکار عمومی اهمیتی دوچندان یافته است.

#### ۱-۱-۱. چیستی افکار عمومی

بسیاری امروز معتقدند که خیزش افکار عمومی یکی از مشخصه‌های دنیای جدید است. مفهوم افکار و عقاید عمومی تاریخ طولانی دارد (اسدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱). تاکنون تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی از افکار عمومی ارائه شده است که به دو مورد آن اشاره می‌شود:

**افکار عمومی به مثابه عقاید افراد:** پالبرت ون دیسی<sup>۲</sup> از پیشگامان علم حقوق در قرن نوزدهم، افکار عمومی را «واژه‌ای عمومی» برای باورها و اعتقادات گروهی از افراد جامعه بشری تعریف می‌کند.

**افکار عمومی به مثابه سازمان اجتماعی:** بر خلاف نظر دیسی، چارلز کولی<sup>۳</sup> افکار عمومی را صرفاً مجموعه‌ای از نظریات و عقاید جدا از هم نمی‌داند بلکه آن را سازمان یا فرایندی مجتمع از تأثیرات ارتباطی و دوجانبه می‌دید. فردیناند تونیس<sup>۴</sup>،

جامعه‌شناس آلمانی هم افکار عمومی را عقاید مشترک گروهی از مردم می‌داند؛ به‌ویژه زمانی که این عقاید به اثبات رسیده و یا مردود شده است (Divison, 1989, p.387). از زاویه‌ای دیگر می‌توان افکار عمومی را از این نظر مورد توجه قرار داد که آیا پدیده‌ای محدود به جوامع جدید با سازمان‌های سیاسی توسعه یافته است و یا پدیده‌ای گسترده و جهانی در همه کشورها.

**افکار عمومی پدیده جوامع جدید:** هانس اسپیر<sup>۵</sup> معتقد است افکار عمومی پدیده‌ای جدید است و ریشه‌های آن را باید در دوره انقلاب فرانسه جستجو کرد. بر این اساس، افکار عمومی تنها در جوامع جدید شکل گرفته و با گسترش رسانه‌های همگانی و سازمان‌های سیاسی تسریع یافته است.

**افکار عمومی پدیده‌ای گسترده و جهانی:** این رویکرد معتقد است افکار عمومی باورهای اکثر مردم است و در هر جامعه‌ای اعتقاداتی وجود دارد که از آن اکثریت است (Divison, 1989, p.388).

در مجموع باید گفت آن چه تحت عنوان افکار عمومی در جوامع سنتی قدیم توصیف می‌شده است، با آنچه در جوامع نوین می‌بینیم، بسیار تفاوت دارد؛ از این جهت می‌توان پیدایش افکار عمومی را در عصر جدید و جوامع صنعتی دانست. وسعت و تعدد و تنوع مسائلی که افکار عمومی امروز با آن مواجه است و همچنین نحوه بیان و امکاناتی که برای ارائه افکار عمومی در عصر جدید وجود دارد، با گذشته قابل مقایسه نیست (اسدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵).

#### ۱-۲. رابطه رسانه ارتباط جمعی و افکار عمومی

در ارتباط با رابطه بین رسانه‌های جمعی و افکار عمومی، گرچه امروزه توافق زیادی بر سر اینکه رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار نقش دارند، وجود دارد؛ اما از نظر تجربی نشان دادن این که سهم رسانه در این شکل‌گیری چه مقدار است، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. از میان مطالعات متعددی که درباره سهم رسانه‌ها و تأثیر آنها بر افراد انجام شده است، به چند مورد که با افکار عمومی مرتبط است، اشاره می‌شود؛

### ۱-۱-۲-۱. بازی دوسویه رسانه‌ها

بر اساس این نظریه، رسانه‌ها به ابزارهای اطلاعاتی و تفریحی دائمی تبدیل شده‌اند و افراد نیز رسانه را به‌عنوان منابع اطلاعاتی می‌شناسند. در این راستا، اشخاص با روابط میان فردی، در مورد آن چه در جهان اتفاق می‌افتد افکاری را در سر می‌پروراند اما این روابط، در واقع، با اطلاعاتی که از رسانه‌ها می‌گیرند تغذیه می‌شود.

«پرایس» و «رابرتز»<sup>۶</sup> عقیده دارند که رسانه‌ها، با قرار گرفتن میان کنشگران سیاسی و مردم، دو نقش اساسی در فرایند افکار عمومی ایفا می‌کنند: نخست، در راستای ایفای نقشی گزارشی و در قالب اخبار و تفاسیر رخدادهای «فضاسازی ذهنی» می‌کنند. و دوم، با منعکس کردن پاسخ‌های مردم به برخی پرسش‌ها، نقش نظرسنجی را نیز به خود اختصاص می‌دهند. در واقع، با این کار همه را در جریان «فضای ذهنی» مردم قرار می‌دهند. نقشی که ممکن است حتی به شیوه مصاحبه با آدم‌های کوچک و بازار و انتشار نامه‌های مردم صورت پذیرد. این دو نقش مکمل یکدیگرند و امکان می‌دهند، مبادله متقابل از یکسو بین کنشگران سیاسی، و از سوی دیگر، میان موافقان و مخالفان آنان برقرار گردد (Price V. et D. F. Roberts, 1987, p.61).

### ۱-۱-۲-۲. صحنه رسانه‌ها

این نظریه معتقد است که رسانه‌ها نقش‌های متعددی را در حیات اجتماعی بر عهده دارند؛ از جمله اینکه صحنه‌ای را به وجود می‌آورند که در آن حیات سیاسی به نمایش گذاشته می‌شود و سبک‌های تازه و هنجارهای زندگی رخ می‌نمایند. در واقع، این فکر که محتوای برنامه‌های رسانه‌ای می‌تواند نظرات افراد را تغییر دهد، فکر تازه‌ای نیست. در این راستا، برجسته‌سازی<sup>۷</sup> مفهومی است که برای نخستین بار در کارهای والتر لپمن<sup>۸</sup> روزنامه‌نگار سیاسی در آمریکا مطرح شد (Lippmann, 1922, p.61).

پارک<sup>۹</sup> نیز در بحث راجع به موضوع ساخت اخبار<sup>۱۰</sup>، اخبار را نوعی از شناخت که نقش آن جهت دادن به افراد و جامعه در دنیای کنونی می‌داند (Park, 1940, p.45). بعدها لومان<sup>۱۱</sup> اعلام می‌کند که رسانه‌ها، شبه‌بحران‌هایی درست می‌کنند تا بتوانند در میان موضوعات مختلف که اهمیت نابرابر دارند، اولویت قائل شوند. لومان معتقد

است افکار عمومی هنگامی کارایی پیدا می‌کند که بتواند خود مردم را به پردازش موضوعات تشویق کند. به دلیل غیرممکن بودن پردازش چند موضوع با هم، لازم است که درجه اهمیت و تقویمی برای پردازش آن‌ها تعیین شود. در واقع، افکار عمومی، خود توجه مردم را به سوی برخی موضوعات سوق می‌دهد (Luhmann, 1971, p16).

رابطه مطالعه‌شده میان رسانه‌ها و افکار عمومی به روشنی نشان می‌دهد که همبستگی مشخصی بین دو چیز وجود دارد: یکی اهمیت پوششی است که رسانه‌ها به یک موضوع می‌دهند و دیگری اهمیتی است که مردم در نظرسنجی‌ها برای این موضوع قائل هستند، هرچند به صورتی ناخودآگاه. به عبارت دیگر، توجه رسانه‌ها به یک موضوع، اهمیت آن را نزد عموم افزایش می‌دهد.

در عین حال، اهمیتی که رسانه‌ها به رخدادها می‌دهند الزاماً نمی‌تواند ارتباط مستقیمی با گرایش‌های عامه در مورد یک موضوع داشته باشد. واقعیت آن است که پاسخ‌هایی که در نظرسنجی‌ها به پرسش‌ها داده می‌شود، بیش از آن که تمایل مردم را به موضوع منعکس کند، بازتاب واکنش آن‌ها به اطلاعاتی است که رسانه‌ها منتشر کرده‌اند.

## ۲-۱. خیزش‌های جهان عرب به مثابه جنبش اجتماعی

در تحلیل انقلاب‌ها و تحولات اخیر در جهان عرب، آنچه بیش از هر چیز باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که ماهیت این تحولات به‌ویژه موارد مربوط به تونس و مصر که جرقه اصلی بیداری را در جوامع اسلامی منطقه دامن زد، اساساً با انقلاب‌های کلاسیک و سنتی متفاوت بوده است. با نگاهی کلی به تحولات این دو کشور، این واقعیت آشکار خواهد شد که این انقلاب‌ها فاقد هرگونه مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده انقلاب‌های کلاسیک بوده‌اند.

«نبود رهبری متمرکز» که توده‌های مردمی را در پرتو نگاه راهبردی و مبارزاتی خود به پیش برده و رهبری کند یکی از مهم‌ترین این موارد است. شرایط و فضای حاکم بر سپهر سیاسی کشورهای نظیر تونس، مصر، لیبی و یمن موجب شد تا جریان سیاسی و یا فرد مشخصی نتواند فرماندهی اصلی میدان مبارزه را از همان آغاز بر عهده بگیرد.

امروزه شاید بهترین عنوانی که می‌توان برای چنین تحولاتی در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم در نظر گرفت، عنوان «جنبش‌ها و خیزش‌های جدید اجتماعی» است که بیش از هر چیز تحت تأثیر فضای مجازی و رسانه قرار دارد. در این گونه تحولات، این توده‌ها نیستند که به دنبال احزاب و جریانات سیاسی حرکت می‌کنند بلکه این احزاب و جریانات سیاسی هستند که به نوعی دنباله‌روی مردم بوده و تمامی تلاش خود را می‌کنند تا از قافله عقب نمانند. از این‌روست که رسانه‌ها در این میان نقشی مهم و تعیین‌کننده ایفا می‌کنند.

#### ۱-۲-۱. چیستی جنبش‌های نوین اجتماعی

مهم‌ترین ویژگی جنبش‌های جدید اجتماعی را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد: بیشتر اعضاء و طرفداران جنبش‌های جدید اجتماعی را «جوانان» تشکیل می‌دهند، این در حالی است که جنبش‌های کلاسیک از یک سو، توسط نخبگان رهبری می‌شده‌اند و از سوی دیگر، گروه سنی خاصی را نیز شامل نمی‌شوند (Heywood, Andrew, p.265).

جنبش‌های جدید بیشتر به دنبال بهبود «کیفیت زندگی»<sup>۱۲</sup> هستند و به اهداف فرامادی نظیر آزادی، حقوق مدنی، ترویج روحیه تساهل و مدارا، جامعه مدنی و... نظر دارند در صورتی که جنبش‌های کلاسیک بیشتر به دنبال تحقق اهداف مادی و اقتصادی بوده‌اند.

جنبش‌های اجتماعی جدید علاوه بر جنبه ملی داشتن، جنبه بین‌المللی نیز به خود گرفته‌اند. به عبارتی، نه تنها قدرت دولت را به چالش فرا می‌کشند بلکه در خارج از کشور هم حوزه‌های مختلفی را درگیر خود ساخته‌اند.

برخلاف جنبش‌های کلاسیک که از سوی طبقه سرکوب شده و محروم حمایت می‌شده‌اند، جنبش‌های جدید اجتماعی از طرف جوانان و طبقه تحصیل کرده بالا و تقریباً با درآمد کافی حمایت می‌شوند. در واقع، جنبش‌های جدید اجتماعی متکی بر طبقات تحصیل کرده و دارای آگاهی و اطلاعات است.

درحالی که جنبش‌های کلاسیک دارای بار ایدئولوژیکی بسیار برجسته‌ای بوده‌اند، جنبش‌های جدید اجتماعی به‌طور مشخص و آشکار ایدئولوژیک نیستند و نمی‌توان ایدئولوژی آن‌ها را به وضوح مشاهده و تعریف کرد (Heywood, 1998, p.266).

جنبش‌های اجتماعی جدید بیشتر حالت غیرسازمانی دارند و به همین جهت از احزاب سیاسی، گروه‌ها و منافع و... جدا شده‌اند. به بیان موفه<sup>۱۳</sup> و لاکلاو<sup>۱۴</sup>، جنبش‌های جدید به سوی کثرت‌گرایی سیاسی و ایجاد حوزه سازمانی مستقل بیشتری از دولت و از بین بردن تمرکزگرایی بوروکراتیک تمایل دارند (Laclau and Mauffe, 1985, p.237).

برتون معتقد است که جنبش‌های اجتماعی هم از جهت عینی و هم از جهت ذهنی (آگاهی و ادراک شخصی) دارای قدرت بوده و از اهمیت بسیاری برخوردار هستند (Berton, 1984, 4: pp.27-45).

شواهد و قرائن بسیاری حاکی از آن است که انقلاب‌ها و جنبش‌های به وقوع پیوسته در کشورهای عربی، خارج از چارچوب تعیین‌شده برای انقلاب‌های سیاسی کلاسیک صورت گرفته است. در واقع، نوع خواسته‌ها و اشکال مختلف بروز اعتراضات در بسیاری موارد با انقلاب‌های کلاسیک متفاوت بوده است.

به‌درستی، این نکته شایان تأکید است که این انتفاضه‌های مردمی، فرزند مشروع جوانان است و گروه‌های مخالف سنتی در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند. در واقع، پس از آن که نسل اینترنت (جوانان)، شعله اعتراضات تاریخی را در مصر روشن کرد شخصیت‌ها و گروه‌های مخالف سنتی، تازه به فکر داشتن نقشی در این اعتراضات افتادند (الملوانی، ۲۰۱۱).

مسلم است که هیچکدام از گروه‌های سنتی معارض در آغاز اعتراضات مردمی در مصر و تونس، نقش بارزی نداشتند و به نظر می‌رسد تلاش‌های بعدی آنان را باید در چارچوب بازی‌هایی تعریف کرد که برای رسیدن به «ثمره» انقلاب صورت می‌پذیرد.

## ۲. رسانه و تحولات سیاسی در جهان عرب

پوشش رسانه‌های گروهی و همه‌گیری آن نقش مهمی در جنبش‌های جدید اجتماعی به‌عنوان نیروی سیاسی و اجتماعی در جهت ایجاد تغییرات ایفا می‌کند. برخی معتقدند



که در برخی موارد حتی خود این رسانه‌ها نیز تبدیل به جنبش می‌شوند. از این رو جنبش‌های اجتماعی، به وسیله رسانه‌های گروهی به جهاتی، هم بر رسانه‌ها تأثیر می‌گذارند و از جهاتی از آن تأثیر نیز می‌پذیرند (Giltlin, 1980, p.153).

تحولات واقع در کشورهای عربی، نشانگر نوعی تغییرات در جبهه‌های جنگ نیز بود به گونه‌ای که اطلاعاتی که به اینترنت راه می‌یافت به سلاخی تازه در قرن بیست و یکم تبدیل شد که از این منظر، شبکه‌های اجتماعی، قسمتی از نبرد مردمی در برابر حکومت‌ها را تبلیغ می‌کرده‌اند (الملوانی، ۲۰۱۱).

آنچه در این میان دارای اهمیت است آن است که آنچه به روند تحولات در کشورهای عربی سرعت بخشید، بدون تردید رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند. مهم‌تر از آن، به وجود آمدن نسلی از شهروندان در جهان عرب بود که آموختند با استفاده از اینترنت، قادر خواهند بود پیام‌هایی مبتنی بر ارزش‌های آزادیخواهانه، مردم‌سالار و حتی اسلام‌گرایانه را در سطحی گسترده منتشر کرده و ساختار سیاسی مبتنی بر اصول مردم‌سالاری را در کشور حاکم کنند (رک. روکفوی، ۲۰۱۱؛ و انقلاب‌های اینترنتی، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۲).

بر مبنای این فرضیه، پیگیری چگونگی روند اعتراضات و وضعیت انقلابیون بازداشت شده از طریق شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که از دل همین مبارزات مردمی، ارتش جدیدی با عنوان «شهروندان خبرنگار» به پا می‌خیزد که سلاح اساسی‌اش اینترنت بوده است (انقلاب‌های اینترنتی، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۲) نکته‌ای که به‌درستی یادآور رهیافت تافلر<sup>۱۵</sup> در رابطه با «شهروندان» جامعه، به مثابه یک «رسانه» است (تافلر، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

میزان اثرگذاری رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در این تحولات به حدی بوده است که برخی از شبکه‌های اجتماعی اینترنت تلاش کرده‌اند در راستای رفع اتهام، خود را در منازعه بین معترضان و حاکمیت، بی‌طرف نشان دهند. به‌طور مثال، شاهد آن بودیم که سایت اجتماعی «فلیکر»<sup>۱۶</sup> عکس‌هایی را که یکی از فعالان انقلابی مصری<sup>۱۷</sup> از غارت دفاتر سازمان‌های مخفی در این سایت قرار داده بود، حذف می‌کند. بسیار آشکار بود که فلیکر با این اقدام به دنبال آن بود تا نشان دهد که در راستای نقش‌آفرینی در

تحولات داخلی مصر حرکت نمی‌کند. در موردی دیگر، می‌توان به پایگاه یوتیوب<sup>۱۸</sup> اشاره کرد که این سایت نیز از نخستین سایت‌هایی به شمار می‌رود که در آن برهه زمانی به شدت با این چالش مواجه بوده است (رک. گزارش فرانس ۲۴ در این باره، ۲۹ مارس ۲۰۱۱).

اهتمام ویژه سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها بر این موضوع نیز بیش‌ازپیش، از نقش رسانه‌ها در این زمینه حکایت دارد. به‌طور مثال، همایش پاریس با عنوان جی هشت اینترنت موسوم به ئی جی هشت<sup>۱۹</sup> نخستین همایشی بود که درباره اینترنت در چنین سطح گسترده و وسیعی برگزار شد. مدیران پایگاه‌های اینترنتی آمازون، فیس بوک، گوگل و بسیاری دیگر از فعالان این بخش در این همایش شرکت داشتند. رئیس جمهور فرانسه با حضور در این همایش، به‌طور مشخص به نقش رسانه‌ها در انقلاب‌های جهان عرب پرداخت.

«در تونس و در مصر، مردم عادی توانستند با تشکیل سنگرهای مجازی و تجمعات واقعی، قدرتی را به لرزه درآورند که به‌طور کامل بی‌اعتبار شده بود. مردم کشورهای عربی به این نحو به جهانیان نشان دادند که اینترنت به دولت‌ها تعلق ندارد. افکار بین‌المللی نیز به این ترتیب مشاهده کرد که اینترنت برای آزادی بیان به مؤلفه‌ای با قدرت بدیع تبدیل شده است» (Guardian, 2011, 24 May)

## ۲-۱. رسانه و انقلاب در تونس و مصر

در تحولات دو کشور تونس و مصر، ویژگی‌های یک جنبش نوین اجتماعی مشهود است. هیچ گروه معارضی جز گروه‌ها و جنبش‌های جدید که ریشه در دانشگاه‌ها و نسل جدید معترضان جوان و تحصیل‌کرده داشتند، وارد کارزار مبارزه و سازماندهی تجمعات خیابانی نشدند. در تونس چه احزاب و گروه‌های سنتی ممنوع‌الفعالیت و چه گروه‌های فعال در عرصه سیاسی این کشور، همگی تنها پس از پیروزی انقلاب به سازماندهی پرداختند. در واقع به نظر می‌رسد سرعت تحولات آنان را غافل‌گیر کرد.

این وضع در مصر بسیار نمایان‌تر است. از احزاب اسلامگرا گرفته تا دیگر جریان‌ات ریشه‌دار همچون سکولارها و چپ‌های ناصری، تنها سعی می‌کردند خود را با موج اعتراضات عمومی مردم همراه کنند. در واقع گروه‌ها و جریان‌ات فعال همچون «جنبش جوانان ۶ آوریل» و حتی جنبش «کفایه» و ائتلاف یکپارچه «جمعیت ملی برای تغییر» تحت حمایت «محمد البرادعی»، همگی جنبش‌های جدیدی بودند که علی‌رغم وجود سلاقی و خواسته‌های مختلف که اسلام‌گرایان و دیگر طیف‌های اجتماعی جامعه مصر را نیز شامل می‌شد، همگی به‌صورتی جدی در فضای مجازی سازماندهی می‌شدند. حضور پررنگ دانشجویان حامی جریان‌های اسلامی همچون اخوان المسلمین در کنار دیگر جریان‌ات نوپدید دانشجویی در فضای اجتماعی اینترنت، حاکی از این واقعیت بسیار مهم که این تجمعات جدید در جایی غیر از فضای متعارف و سنتی احزاب و جریان‌ات سیاسی این کشور شکل گرفته و سازمان‌دهی می‌شده است. بیشتر اعضای این جنبش را جوانان تحصیل‌کرده تشکیل می‌دادند که اهدافی و رای خواسته‌های احزاب سیاسی را که برای رسیدن به قدرت فعال بودند، دنبال می‌کردند. اهدافی همچون تحقق آزادی سیاسی، ایجاد اصلاحات و تغییرات سیاسی، بهبود اوضاع اجتماعی و معیشتی و لغو حالت فوق‌العاده امنیتی.

کاملاً روشن است که انقلاب‌های شعله‌ور در تونس و مصر و موج بیداری اسلامی ریشه‌دار در میان ملت‌های مسلمان منطقه، اساساً از رسانه‌های اجتماعی نشئت نگرفته‌اند. درعین‌حال، این سخن درست است که نیروهای انقلابی در این کشورها در فضای اینترنت به ابراز دیدگاه‌های خود مبادرت کرده‌اند.

امروزه اساساً بسیاری معتقدند در صورت نبود رسانه‌ها و عدم حضور پررنگ شبکه‌های اجتماعی، امکان وقوع چنین تحولاتی در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گرفت: «انقلاب الکترونیکی اهمیت شهروند جامعه عربی را به جهان خارج منتقل کرد و به وی این آزادی را داد که بدون ترس و یا محدودیت حرف خود را بزند. برای نخستین بار قشر آسیب‌پذیر جامعه عرب توانست یک انقلاب را هدایت کند. اگر ابزارهای جدید برای ارتباط اجتماعی میان جوانان

کشورهای عربی وجود نداشت، چنین دستاوردهایی در کشورهای عربی محقق نمی‌شد» (العیسی، ۲۳ مه ۲۰۱۱).

بسیاری نیز، شبکه‌های اجتماعی به ویژه سایت‌های اشتراک‌گذاری تصاویر ویدئویی را دارای بیشترین نقش در انتقال انقلاب تونس به مصر می‌دانند (البغلی، ۲۰۱۱/۰۱/۳۱).

تأثیر رسانه بر وقوع انقلاب در کشور تونس به قدری آشکار بود که تنها پس از گذشت زمان کوتاهی از فرار «بن‌علی» رئیس‌جمهور سابق این کشور، مردم تونس پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن‌ها عبارت «شکراً للجزیره» نقش بسته بود. بیهوده نبود که دولت تونس درست مدتی پیش از شکل‌گیری جدی اعتراضات مردمی دفتر شبکه تلویزیونی الجزیره قطر را در این کشور تعطیل و روابط خود را با قطر به‌عنوان حامی اصلی این شبکه قطع کرد.

با وجود مشکلات زیاد شبکه‌های تلویزیونی در پوشش اخبار تونس، اما روند پوشش رسانه‌ای تحولات به‌سمتی پیش می‌رفت که اساساً دیگر لازم نبود تا رسانه‌ها خبرنگاران خود را به منطقه اعزام کنند، زیرا اینترنت و به‌طور خاص شبکه‌های اینترنتی اجتماعی، از هر شهروند، خبرنگاری ساخته بود که تنها با دوربین گوشی موبایل خود حوادث را ضبط می‌کرد و با انتشار آن در اینترنت باقی‌مانده‌ها را به شبکه‌های تلویزیونی واگذار می‌کرد.

البته همه رسانه‌ها به یک اندازه به انعکاس اخبار تونس اصرار نداشتند. به‌طور مثال، شبکه‌های تلویزیونی غربی همانند بی.بی.سی و فرانس ۲۴، خیلی به اخبار مربوط به سقوط حکومت «بن‌علی» علاقه نشان نمی‌دادند، هرچند این رویه به صورتی نمایان پس از پیروزی انقلاب تغییر کرد؛ به نظر می‌رسد این تغییر رویه چه از سوی رسانه‌های غربی و چه رسانه‌های عربی ریشه در تغییر رویکرد سیاسی دولتمردان غربی و سران عرب نسبت به اوضاع این کشور داشته است. به گفته «مارک لینچ» استاد دانشگاه جورج واشنگتن «با توجه به اینکه سقوط بن‌علی به نفع غرب نبود، رسانه‌های غربی در ابتدا اخبار آن را به‌طور گسترده بازتاب نمی‌دادند اما پس از آنکه رژیم او سقوط کرد رسانه‌های غربی نیز مجبور شدند برای اینکه از بقیه عقب نمانند وارد گود شوند گرچه

برخی اعتقاد دارند آن‌ها تا مدت‌ها پس از وقوع انقلاب نیز به عمق وقایع و حقایق این تحولات نپرداختند و بیشتر تمرکز آنان روی بحث فناوری وب‌گاه‌های اجتماعی در این راهپیمایی‌ها بود؛ این نشان می‌دهد که عده کمی در رسانه‌های غربی عمق تحولات تونس را درک کرده‌اند» (مصاحبه مارک لینچ با شبکه الجزیره، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۱).

تاکتیکی که فعالان و کاربران این پایگاه‌های اینترنتی در مصر و تونس از آن استفاده کردند تجمع غیرمنتظره و سریع بود. به این ترتیب تظاهرکنندگان همواره یک گام از نیروهای امنیتی جلوتر بودند. به همین علت هم بود که مقامات در کشور مصر، پایگاه‌های اینترنتی فیس بوک<sup>۲۰</sup> و توئیتر را مسدود کردند.

#### ۲-۱-۱. گستره شبکه‌های اجتماعی

در ادامه، به منظور مشخص‌تر شدن میزان اثرپذیری جوامع عربی از رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های اجتماعی، میزان کاربران این رسانه‌ها در این جوامع (تونس و مصر) بررسی می‌شود.

بر اساس گزارش‌های موجود، میزان کاربران اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در تونس همزمان با آغاز موج اعتراضات مردمی به صورت قابل ملاحظه‌ای بسیار گسترده بوده است. در مصر نیز از ابتدای بحران، عضویت مصری‌ها در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به شدت افزایش یافته بود. در واقع، تب انقلاب در مصر همانند تونس از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مشهور آن گسترش یافت. بنا بر یک ادعا، اگر در میدان التحرير قاهره، جمعیت بسیاری حضور می‌یافتند، به لطف کسانی بود که آن‌ها را نسل «فیس بوک» می‌نامند (رک: گزارش فرانس ۲۴ عربی، ۹ مارس ۲۰۱۱).

به گفته خانم «جی جی ابراهیم»<sup>۲۱</sup>، فردی که از او به عنوان مبتکر «انقلاب شبکه» در مصر یاد می‌شود، «اولین درخواست‌ها برای تظاهرات در فیس بوک و توئیتر و در روز بیست و پنجم ژانویه اعلام شد. این یک گام بزرگ برای انقلاب بود و البته طرحی برای انقلاب ارائه نشد» (مصاحبه جی جی ابراهیم با شبکه فرانس ۲۴ عربی، ۹ مارس ۲۰۱۱).

البته نظریه تأثیر رسانه‌های اجتماعی در وقوع انقلاب‌های جهان عرب، مخالفانی نیز دارد. مخالفان این نظر اساساً معتقدند که عمق انقلاب و انگیزه انقلابی در کشورهایی مثل تونس بسیار فراتر از آن است که متأثر از شبکه‌های اجتماعی باشد. ساختار سنتی این جوامع در تأیید این نظریه بی‌تأثیر نبوده است. یکی از مهمترین مطالبی که در همان روزهای اوج انقلاب در این باره منتشر شد، مقاله‌ای بود که «جیکومار ویجایان»<sup>۲۲</sup> در رابطه با «نقش رسانه‌های اجتماعی در انقلاب مصر»<sup>۲۳</sup> در اینترنت<sup>۲۴</sup> منتشر کرد. وی برای تأیید نظر خود به آمارهای منتشر شده در پایگاه سوشال بیکر<sup>۲۵</sup> استناد کرد:

«برای جنبشی مردمی در مصر با در نظر گرفتن جمعیت این کشور، پایگاه فیس‌بوک بسیار کوچک است... حدود پنج میلیون و دویست هزار مصری جزو کاربران فیس‌بوک هستند، یعنی کمتر از ۷ درصد از مردم. در مقابل، در تونس نزدیک به ۲۱ درصد از مردم، عضو فیس‌بوک هستند. حتی در کشور محافظه‌کاری همانند عربستان سعودی ۱۲ درصد عضو فیس‌بوک‌اند... از نظر آمار عضویت در فیس بوک، مصر در میان دویست و سیزده کشور از لحاظ درصدی در رده یکصد و بیست و هفتم قرار دارد. در تونس حدود ۶۰ درصد از کاربران اینترنت عضو فیس‌بوک هستند. آنچه از این آمار برداشت می‌شود آن است که رد پای رسانه‌های اجتماعی در مصر کمتر از چیزی است که می‌توان تصور کرد. فیس بوک، توئیتر، یوتیوب و همه رسانه‌های اجتماعی دیگر تنها ابزاری هستند که درست مانند روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون به ارتباطات بهتر کمک می‌کنند. سؤال این است که چه تعداد از ده‌ها هزار تظاهرکننده حاضر در میدان تحریر قاهره پیام‌های ارسالی در توئیتر و تصاویر یوتیوب را مشاهده کرده‌اند؟ چه تعداد از این افراد حتی به اینترنت دسترسی داشته‌اند تا از این مسائل مطلع شوند؟ بنابراین انقلاب مصر را باید یک پیروزی برای «مردم» این کشور دانست نه پیروزی رسانه‌های اجتماعی».<sup>۲۶</sup>

به نظر می‌رسد چنین استدلالی در قبال تأثیر رسانه‌ها در تحولات مصر و تونس، ناشی از آن است که تأثیر غیرمستقیم و شبکه‌ای گسترده این رسانه‌ها در سطح جامعه نادیده گرفته می‌شود. اینکه رویدادها، علی‌رغم سانسور شدید، توسط این شبکه‌ها در جای جای جهان در اختیار رسانه‌های تصویری قرار می‌گیرند و طیف گسترده‌ای از مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهند به راحتی قابل اغماض نیست.

کافی است یک بار در ماهیت جریان‌های انقلابی و تظاهرات‌کنندگان در کشوری مانند مصر دقت شود تا این موضوع بیشتر مدنظر قرار گیرد.

یکی از بزرگترین جریان‌هایی که در واقع، سازمان‌دهنده اصلی تظاهرات مردمی در روزهای انقلاب به شمار می‌رفت، جنبشی بود موسوم به «جنبش جوانان ۶ آوریل»<sup>۲۷</sup> که در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد. این گروه که اساساً فعالیت‌های خود را بر شبکه‌های اجتماعی در اینترنت متمرکز کرده بود، از ده‌ها هزار عضوی تشکیل می‌شد که اکثر آنان جوانان دارای سطح آموزش بالایی بودند.<sup>۲۸</sup>

دیگر جنبش‌های اعتراضی حاضر در میدان مرکزی التحریر قاهره نیز همگی گروه‌هایی بودند که به شدت درگیر رسانه و شبکه‌های اینترنتی بوده و از ابتدا نیز در همین شبکه‌ها شکل گرفته بودند. به لطف وجود چنین گروه‌هایی بود که جریان‌های سیاسی سنتی نیز برای ادامه حضور خود در صحنه مبارزه، بسیار وابسته به این جنبش‌ها بودند. نکته قابل اهمیت آن است که بدانیم گروه‌های سنتی و اسلام‌گرا همانند جماعت اخوان المسلمین در کشوری مثل مصر نیز به شدت در فضای مجازی فعال بوده و مسدود شدن پایگاه‌های این جماعت در اینترنت به شدت مورد توجه دیگر رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی قرار می‌گرفت.

## ۲-۱-۲. رویکرد تقابلی دولت‌ها

همزمان با اوجگیری اعتراضات مردمی، شاهد رویکرد تقابلی حاکمیت در قبال رویکرد اعتراضی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی معارض بوده‌ایم که یا به دنبال ایجاد آلترناتیوی برای مقابله بودند و یا آنکه اساساً به سانسور پناهنده می‌شدند.

برای مثال، دولت «بن‌علی» در تونس تلاش گسترده‌ای صورت داد تا نام کاربران و رمز اینترنتی آنان را برای متصل شدن به پایگاه اینترنتی فیس‌بوک بزددد. مهندسانی که در فضای اینترنت فعال هستند هرگز چنین تلاش گسترده حکومتی را برای سانسور اینترنت مشاهده نکرده بودند. اما با دور زدن این محدودیت‌ها، پایگاه‌های اجتماعی به اصلی‌ترین شبکه برای انتشار تصاویر و اخبار سرکوب اعتراضات تبدیل شدند. وقتی که دولت‌های تونس و مصر به مسدود کردن پایگاهی همانند توئیتر مبادرت کردند، استفاده از این پایگاه‌ها به قدری ضروری احساس شد که مهندسان رایانه برای کمک به انقلابیون، شیوه جدیدی را برای فعالیت در عرصه مجازی با استفاده از تلفن فراهم کردند. به گونه‌ای که سه شماره بین‌المللی را برای این منظور در نظر گرفتند که از این طریق، امکان انتقال پیام‌های مردمی در مصر فراهم شود. در موردی دیگر، مسئولان پایگاه اینترنتی گوگل در اقدامی مشابه، امکانات جدیدی را در آن برهه زمانی، برای انتقال پیام نیروهای انقلابی فراهم کردند» (Cory, 2 Feb 2011).

## ۲-۲. رسانه و تحولات یمن

به لحاظ ساختار کاملاً متفاوت جامعه سنتی یمن نسبت به تونس و مصر، نقش رسانه‌های اجتماعی در این مورد بسیار کمتر از دو کشور ذکرشده به نظر می‌رسد. شاید این ادعا درست باشد که تحولات یمن، منطبق با یک جنبش اجتماعی نوین نیست اما باید گفت که شیوه‌های به کار گرفته شده در این کشور برای بیان اعتراضات ضددولتی، شباهت بسیار زیادی به دو نمونه قبلی دارد. با این وجود نمی‌توان از نقش مؤثر و تحریک‌آمیز شبکه‌های تلویزیونی همچون الجزیره، العالم، العربیه و بی.بی.سی عربی در حرکت‌های اعتراضی در این کشور چشم‌پوشی کرد. البته باید به این نکته نیز اذعان کرد که معترضان در یمن برای تحقق اهدافشان به‌طور گسترده‌ای از اینترنت نیز استفاده کرده‌اند.

«به نظر می‌رسد یمنی‌ها این ایده را از همسایگان عرب خود که کارآیی اینترنت را تجربه کرده‌اند، گرفته‌اند. معترضان یمنی با استفاده از اینترنت



به صورت لحظه‌ای از تحولات آگاه می‌شوند. به علت بی‌توجهی علی عبدالله صالح به خواسته‌های مردمی، معترضان که بیشترشان همچون معترضان تونس و مصری جوان هستند از اعتراضات فیلم و عکس می‌گیرند و آن‌ها را در فیس‌بوک منتشر می‌کنند. آن‌ها اعتقاد دارند این اقدام باعث خواهد شد جنبششان بیشتر به چشم بیاید و قدرت بیشتری به دست آورند. یمن از لحاظ فناوری‌های پیشرفته چندان پیشرو نیست و جوانان کمی به شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند» (گزارش شبکه فرانس ۲۴، یمن، ۱۵ مه ۲۰۱۱).

البته سیاست‌های قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در پوشش رسانه‌ای رویدادهای یمن نیز بی‌تأثیر نبوده است. بسیاری معتقدند درحالی‌که نیروهای نظامی ناتو در لیبی به بمباران این کشور ادامه می‌دادند و نیروهای نظامی عربستان و امارات هم در کشور کوچک بحرین به سرکوب اعتراضات می‌پرداختند، غربی‌ها و مقامات کاخ سفید تنها، نظاره‌گر سرکوب خونین انقلابی‌ها و مخالفان سیاسی دولت علی عبدالله صالح در یمن بوده‌اند. مقامات ایالات متحده آمریکا طی دو ماه خشونت و حمله به معترضان در شهرهای مختلف یمن، به بهانه احتمال تقویت شبکه تروریستی القاعده در این کشور، حاضر نشدند، در همراهی با مردم، عبارت «علی عبدالله صالح باید برود» را بر زبان آورند.

## ۲-۳. رسانه و تحولات بحرین

شاید به جرئت بتوان گفت که در میان خیزش‌های مردمی کشورهای منطقه تنها، اعتراضات ضددولتی و بیداری مردمی در بحرین بوده است که با اغمازی عامدانه و هدفمند از سوی بیشتر رسانه‌ها روبرو شد. بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی در بازتاب تحولات بحرین رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کردند.

با القای ماهیت طائفه‌ای که برای تحولات این کشور ترسیم شد تنها، محدود شبکه‌ها و رسانه‌های شیعی منطقه بودند که به بازتاب تحولات و جنبش مردمی در این کشور پرداختند. از این رو می‌توان به‌طور کلی به بسیاری از رسانه‌های وابسته به دولت‌ها یا جریان‌های سنی و همچنین بسیاری دیگر از رسانه‌های مشهور غربی، عنوان

«رسانه‌های حامی حکومت بحرین» را اطلاق کرد. شیوه‌های تبلیغی این رسانه‌ها، معمولاً مبتنی بر به زیر سؤال بردن ماهیت مردمی اعتراضات در بحرین بوده است. از این رو، طائفه‌ای بودن اختلافات در بحرین و نه دموکراتیک و آزادیخواهانه بودن آن و همچنین وابسته بودن جنبش اعتراضی به خارج همواره در دستور کار مرام‌نامه رسانه‌ای شبکه‌های مختلف خبری قرار گرفته است.

به طور مثال، تلویزیون العربیه وابسته به جریان سعودی در عربستان در مواردی تلاش کرد میان دولت ایران و و اعتراضات در بحرین رابطه‌ای معنادار برقرار کند. (برگرفته از فضای تبلیغی شبکه تلویزیونی العربیه، ۲۲ مارس ۲۰۱۱)<sup>۲۹</sup> به نظر می‌رسد چنین ادعاهایی زمینه‌ای برای سرکوب معترضان در بحرین و توجیهی برای مداخله نظامی نیروهای سپر جزیره در این کشور بوده است.

در موردی دیگر، تلویزیون بی.بی.سی. عربی در بخش‌های مختلف خبری خود بارها به نقل از معاون اول رئیس مجلس مشورتی بحرین ادعا کرد که ایران در امور داخلی بحرین دخالت می‌کند. نکته قبل تأمل آن است که این شبکه به نقل از این مقام حکومتی بحرین تأکید می‌کند در صورتی که این «توطئه» در بحرین موفق شود، به دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس نیز کشیده خواهد شد (فضای تبلیغی بی بی سی عربی، ۲۲ مارس ۲۰۱۱).

در نمونه‌ای دیگر در این زمینه می‌توان به گفتگوی یکی از نمایندگان فراکسیون جمعیت الوفاق بحرین از مخالفان حکومت منامه با شبکه الجزیره اشاره کرد. الجزیره در حالی که با «هادی الموسوی» مصاحبه می‌کرد به هنگام اقدام این نماینده در افشای فضای سرکوب حاکم بر بحرین و محدودیت‌های موجود در این کشور، بارها سخنان وی را قطع می‌کند و در نهایت نیز مجری این شبکه با عصبانیت با این نماینده بحرینی خداحافظی می‌کند. امری که به تدریج به رویه‌ای تکراری در بسیاری دیگر از شبکه‌های عربی منطقه نیز تبدیل شد (مصاحبه شبکه الجزیره با هادی الموسوی، ۲۸ مارس ۲۰۱۱).

بررسی سه شبکه تلویزیونی الجزیره، العربیه و العالم، سه دنیای متفاوت را به دست می‌دهد. واقعیت آن است که بیش از هر رسانه مکتوب یا شبکه اجتماعی دیگری،

شبکه‌های تلویزیونی نقش بسزایی در استمرار حرکت‌های اعتراضی و تجمعات خیابانی در بحرین داشته‌اند. کنکاشی در این باره حاکی از این واقعیت است که مردم معترض در بحرین آخرین رویدادها و فعالیت‌های اعتراضی خود را از شبکه تلویزیونی العالم و همچنین شبکه المنار حزب‌الله لبنان دنبال می‌کرده‌اند. هرچند تأسیس شبکه تلویزیونی «اللؤلؤ» از سوی مخالفان نیز در تحریض اعتراضات مردمی بی‌تأثیر نبوده است.

کم‌کاری شبکه‌ای همچون الجزیره به علت فشارهای دولت قطر برای پوشش ندادن نارضایتی‌ها در کشورهای خلیج فارس در قضیه بحرین مشهود است. هرچند که این شبکه نیز با حساسیت نشان دادن به انتقادات، بارها اعلام کرده است که پوشش رسانه‌ای اوضاع در بحرین را متفاوت و دشوار می‌بیند. به روایت خبرگزاری انگلیسی رویترز، اوضاع بحرین به‌خوبی گویای این واقعیت است:

«شبکه تلویزیونی الجزیره همسو با سیاست‌های دولت منامه تلاش می‌کند تا فضای ملتهب کنونی در بحرین را نوعی شورش قومی و مذهبی علیه حاکمیت و متاثر از دخالت کشورهای خارجی در این کشور القاء نماید. به‌گونه‌ای که در رویکردهای تبلیغی این شبکه تلویزیونی ضمن تأکید بر خاستگاه‌های شیعی محور معترضان به حکومت آل خلیفه، اعتراضات غیر قانونی و مغایر با منافع ملی بحرین قلمداد می‌شود. ضمن اینکه تمرکز تبلیغی شبکه‌های تلویزیونی عربی از جمله الجزیره، بر فاکتورهای مذهبی و برجسته‌سازی ادعای دخالت ایران و حزب‌الله لبنان در امور بحرین، با هدف کاستن از فشار افکار عمومی منطقه به ویژه مسلمانان علیه حکومت آل خلیفه دنبال شده است» (اندرو هاموند، ۱۶ می ۲۰۱۱، الجزیره).

نکته قابل توجه، سکوت کامل رسانه‌های عربی بود که انقلاب‌های دیگر را به‌طور استثنایی پوشش می‌دادند.

«در مورد شبکه‌ای مثل الجزیره، در خصوص وقایع بحرین انتظار می‌رفت وقایع را به‌طور موشکافانه تشریح کند و مثل همیشه تصاویر را نشان دهد. اما این شبکه سکوت شگفت‌انگیزی در خصوص این واقعه در پیش گرفت. بدون هیچ تردیدی این شبکه نمی‌خواست کشور سلطنتی قدرتمند همسایه

یعنی عربستان سعودی را برنجاند و نمی‌خواست موج قیام‌ها و انقلاب‌ها را در منطقه خلیج فارس که قطر نیز در آن واقع است آغاز کند. رسانه‌ای کردن قیام بحرین ممکن بود تهدیدی برای ثبات این شیخ‌نشین‌ها تلقی شود. روی کار آمدن رژیم جدید در بحرین خطر انفجاری بزرگ را در خلیج فارس بیشتر می‌کرد» (Rahim Khani, 22 June 2011).

#### ۲-۴. رسانه و تحولات سوریه

توجه به تحولات سوریه از چند جهت دارای اهمیت است: از آن جهت که پوشش رسانه‌ای تحولات این کشور نیز از برخی جهات شباهت زیادی به موارد قبلی دارد؛ یعنی در این مورد نیز شبکه‌های اجتماعی همانند یوتیوب سهم بسزایی در تحولات و انتقال تصاویر به شبکه‌های تلویزیونی داشته‌اند. تحولات سوریه از بسیاری جهات بدون عوامل و ویژگی‌های لازم یک جنبش نوین اجتماعی است. پوشش رسانه‌ای اعتراضات در سوریه از وقتی شدت گرفت که تبوتاب اعتراضات در تونس و مصر خوابیده بود. همزمان با درگیری‌های نظامی در لیبی و به ویژه پس از کشته شدن معمر قذافی در این کشور، تحولات سوریه نیز بشدت مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. مهم آن است که اعتراضات در سوریه در یک فرآیند مدیریت شده و کنترل شده از سوی جریانات و احزاب سنتی معارض در این کشور صورت گرفته است. از این رو، اعتراضات دارای رهبری مشخص از سوی گروه‌های مختلف معارض همچون اخوان المسلمین، گروه‌های سلفی، جریانات گُرد، لیبرال‌ها و گروه‌های چپ‌گرا بوده است. از این رو، تحولات این کشور بیش از آنکه تحت جریان رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باشد، تحت تأثیر فعل و انفعالات سیاسی زعمای احزاب این کشور، مذاکرات رهبران سیاسی با دولت و همچنین سناریوهای تعریف شده طرف‌های خارجی اثرگذار برای آینده سیاسی این کشور بوده است. بر خلاف دیگر خیزش‌های انقلابی منطقه، اوضاع سیاسی سوریه کاملاً متفاوت از دیگر کشورها در کانون توجه رسانه‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی قرار گرفت. ماهیت

متفاوت اعتراضات در سوریه توأم با حضور گسترده گروه‌های مسلح در میان معترضان و وجود حکومتی حامی جریان مقاومت در سوریه، همگی دست به دست هم داد تا شگردهای رسانه‌ای متفاوتی در قبال تحولات این کشور از سوی رسانه‌ها دنبال شود. رسانه‌هایی که عمدتاً با خط مشی حاکمان دمشق در حمایت از مقاومت مخالف بوده‌اند.

بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی خشونت‌ها در این کشور، پرداختن به اوضاع مردم سوریه و اقتصاد این کشور، تمرکز قابل توجه بر موضوع تعلیق عضویت دمشق در اتحادیه عرب، محوریت قرار دادن حمایت آمریکا، اروپا و ترکیه از مخالفان دولت بشار اسد و اجرای تلاش‌ها برای انزوای بیشتر دمشق و در نهایت مشروعیت‌زدایی و فراهم آوردن زمینه‌ها برای اقدام نظامی، گام‌هایی است که همواره در دستور کار رسانه‌ها قرار گرفته است.

بررسی پوشش رسانه‌ای تحولات سوریه، بیانگر دو رویکرد متفاوت رسانه‌ای در پوشش تحولات این کشور است. اختلاف رویکردی که از دو زاویه قابل تقسیم‌بندی است:

رسانه‌های «حامی دولت سوریه» شامل رسانه‌های وابسته به دولت این کشور همچون شبکه تلویزیونی «الدنیا» و شبکه‌های تلویزیونی دولتی ایران، روسیه و همچنین حزب الله لبنان.

و دیگری رسانه‌های «مخالف دولت سوریه» همچون رسانه‌های وابسته به گروه‌های معارض در این کشور - که طبیعتاً خارج از مرزهای سوریه کنترل می‌شده‌اند- و همچنین رسانه‌های دولت‌های مخالف حکومت دمشق که عمدتاً وابسته به دولت قطر، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و جریان سعودی و همچنین رسانه‌های غربی محسوب می‌شوند.

تقسیم‌بندی دوم مبتنی بر تقسیم رسانه‌ها بر اساس دو محور مقاومت و سازش (مخالفان مقاومت) در منطقه است. بر این اساس، بیشتر شبکه‌های تلویزیونی منطقه و همچنین رسانه‌های غربی را می‌توان در محور مخالفان مقاومت و رسانه‌هایی

همچون شبکه‌های وابسته به ایران و گروه حزب الله لبنان را در چارچوب حامیان مقاومت و نظام بشار اسد قلمداد کرد.

رویکرد یکجانبه رسانه‌ها در پوشش رویدادهای سوریه همواره با انتقاد طرف مقابل مواجه بوده است. رسانه‌های مخالف دمشق، همچون شبکه تلویزیونی الجزیره و العربیه بشدت مورد اتهام بوده‌اند که تصاویر و اخبار کذب را از اوضاع این کشور مخابره کرده‌اند. رویکرد افراطی و یکجانبه این شبکه‌ها حتی مخالفت‌هایی را در درون خود این رسانه‌ها نیز در پی داشته است. تغییر و تحولات واقع در شبکه الجزیره قطر به‌عنوان اصلی‌ترین رسانه مخالف دولت سوریه، نمونه‌ای بارز در این زمینه است. آنچنان که استعفای «غسان بن جدو» مدیر دفتر این شبکه در بیروت و انتقادات شدید وی از رویکرد متفاوت این شبکه در قبال تحولات سوریه و بحرین، زمینه‌ها را برای انتقادات گسترده از این رسانه اثرگذار عربی فراهم کرد.

در تبیین نقش رسانه در تحولات سوریه البته باید به این موضوع نیز توجه داشت که پوشش گسترده رسانه‌ای اعتراضات در سوریه، نقش بسیاری در ادامه حرکات اعتراضی در این کشور ایفا می‌کرده است. همانند موارد تونس و مصر، در سوریه نیز علی‌رغم فضای بسته سیاسی حاکم بر این کشور، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی تحولات در این کشور به شمار می‌روند.

### ۳. رسانه و مدیریت افکار عمومی اعراب

#### ۳-۱. رسانه‌های دیداری- شنیداری (شبکه‌های تلویزیونی)

تنها پس از گذشت چند ماه از پیروزی انقلابیون در کشورهای تونس و مصر، شاهد آن بودیم که در محافل رسانه‌ای جهان، نوعی رقابت شدید به منظور جهت‌دهی به جریان‌های انقلابی در جهت سیاست‌های کشورهای متبوع آن رسانه‌ها شکل می‌گیرد. در موارد بسیاری، از این فرآیند به تلاش برای «مصادره انقلاب» های عربی و در مواردی نیز به تلاش رسانه‌های غربی برای «جلوگیری از رشد بیداری اسلامی» در منطقه تعبیر شده است. تعبیر دوم به‌ویژه از آنجا بیشتر مورد توجه قرار گرفت که

محبوبیت گروه‌های اسلام‌گرا در این کشورها، نگرانی برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای را از احتمال روی کار آمدن اسلام‌گرایان بیش‌ازپیش، برانگیخت.

بر این اساس، «ایجاد نگرانی» از پیروزی اسلام‌گرایان و ترسیم فضایی غیرواقعی از آینده این کشورها با شدتی بیشتر و به‌ویژه با نزدیک شدن به برهه زمانی برگزاری انتخابات آزاد پس از انقلاب نمود پیدا کرد. در غالب راهبرد تبلیغی سنتی اسلام‌هراسی<sup>۳۰</sup> رسانه‌های وابسته به محافل سیاسی غرب و در مواردی برخی کشورهای عربی تلاش کردند تا ضمن وابسته‌القا کردن گروه‌های اسلام‌گرا به کشورهای خارجی، اجرای شریعت اسلامی را مغایر با منافع ملت‌های منطقه و تهدیدی علیه آزادی‌های فردی و اجتماعی القا کنند. در واقع، با پیگیری این سناریو ضمن مدیریت تحولات اخیر در کشورهای منطقه، تلاش شد تا مسیر و خواسته‌های انقلابیون نیز در جهت اهداف سیاسی و منافع استراتژیک صاحبان رسانه تغییر کند.

به طور مثال، یکی از این مواردی که بسیار مورد توجه بوده و به نظر هم می‌رسد که به‌صورت یک سناریو در دستور کار بود، تأکید بر به تأخیر انداختن زمان برگزاری انتخابات در کشورهای انقلابی بود. رسانه‌های اثرگذاری همچون تلویزیون فرانس ۲۴ فرانسه و تلویزیون بی.بی.سی عربی از جمله رسانه‌های پیش‌تاز در این زمینه به شمار می‌روند. این رسانه‌ها، ضمن تأکید بر تأخیر انداختن انتخابات، تلاش کردند گروه‌های اسلام‌گرا را غیرمردمی و وابسته به بیگانه نشان دهند. آنچنان که تلویزیون فرانسه ادعا کرد، انتخابات در تونس از آن‌رو باید به تعویق بیفتد تا مردم از احزاب شناخت کافی به دست آورند در غیر این صورت این امکان وجود دارد که احزاب اسلامی مانند حزب النهضه در این کشور به قدرت برسند (فضای تبلیغی تلویزیون فرانس ۲۴، می ۲۰۱۱).

به عنوان یکی دیگر از موارد قابل اشاره در این‌باره می‌توان به مورد یمن اشاره کرد. روندی که در فحوای تبلیغات تلویزیون‌های غربی و عربی در بسیاری موارد قابل مشاهده بود؛ تلاش آنان برای تسهیل مداخله غرب و عربستان سعودی به همراه شورای همکاری خلیج فارس در یمن است به گونه‌ای که گویی خواست و منافع آمریکا و عربستان در یمن به نفع صلح منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. تأکید مستمر و آشکار این رسانه‌ها بر خروج کنترل شده و برنامه‌ریزی «صالح» از کشور نیز مؤید این مدعاست.

### ۲-۳. شبکه‌های اجتماعی

جدای از بحث تأثیر رسانه‌های اجتماعی، این نکته حائز اهمیت است که برجسته کردن شبکه‌های اجتماعی در فضا سازی رسانه‌های دیداری- شنیداری، می‌تواند ابزاری مهم برای مدیریت مطالبات مردمی و هدایت آنان به سوی اهداف خاص به شمار رود.

این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که در کشورهای نظیر مصر به سبب نبود دو مؤلفه رهبران برجسته و برنامه‌های مدون برای پیشبرد تحولات، رسانه‌ها با بهره‌برداری از فرصت قیام‌های مردمی، تلاش می‌کنند نقش این دو مؤلفه را در جهت اهداف و طرح‌های خود در منطقه هدایت کنند.

در این راستا، شبکه‌های اجتماعی با حمایت و برجسته کردن آلترناتیوهای مورد نظر خود در مقام شخصیت‌سازی برای رهبری اعتراضات برمی‌آیند. معرفی شخصیت‌هایی همچون «محمد البرادعی» در مصر به‌عنوان گزینه مناسب ریاست در این کشور در این چارچوب جای می‌گیرد.

همچنین تأکید بر نوع خاصی از شاکله و ساختار سیاسی برای آینده این کشورها پس از انقلاب، بسیار قابل تأمل است به ویژه آنکه این اقدام در آستانه برگزاری انتخابات در این کشورها از شدت بیشتری نیز برخوردار است. معرفی مدل سیاسی ترکیه به‌عنوان الگویی مناسب برای اداره سیاسی این جوامع از مواردی است که به شدت از سوی رسانه‌های غربی و برخی رسانه‌های عربی متمایل به جریان سکولار در منطقه دنبال شده است.

### جمع‌بندی

امروزه رسانه‌ها نقشی فراتر از اطلاع‌رسانی صرف ایفا می‌کنند. در واقع، در جهان معاصر از رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهایی نوین به منظور تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی استفاده می‌شود. هرچند محدود کردن قدرت اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها به جنبه‌های سیاسی، نگرشی تک‌ساحتی به این مقوله بوده و به معنای غفلت از سایر ابعاد قدرت این پدیده است با این وجود، کاربرد رسانه توسط جنبش‌های اجتماعی، مفید و اثرگذار بودن آن را اثبات کرده است، آنچنان که در جنبش‌های سیاسی و



اجتماعی مصر و تونس و دیگر کشورهای عربی مشاهده شد. اگرچه این تحولات ریشه در نارضایتی عمومی داشت، اما، نمی‌توان نقش رسانه‌های اجتماعی را در تهییج احساسات عمومی و افزایش آگاهی انقلابی جامعه نادیده گرفت.

هرچند که، برخی اساساً به نقش تمام عیار رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی تردید دارند و به نابرابری در دسترسی و عدم فراگیری در وسعتی که جنبش گسترده شده، اشاره می‌کنند (Wasserman, 2007, pp.109-131). و برخی نیز حتی در صورت دسترسی، در اصل کیفیت استفاده مفید از آن در جنبش‌های اجتماعی به دیده تردید می‌نگرند. (Marmura, 2008; 10; 247) اما آنچه در این تحولات انکار ناپذیر بود تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی سریع و گسترده و گسترش سریع این تحولات در کشورهای منطقه بود.

در کشوری همچون یمن که به لحاظ ساختار کاملاً متفاوت جامعه سنتی آن نسبت به تونس و مصر، نقش رسانه‌های اجتماعی بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود، شاهد آن بودیم که معترضان برای تحقق اهداف خود به‌طور گسترده‌ای از اینترنت استفاده کردند و شبکه‌های تلویزیونی تأثیر بسیاری بر استمرار حرکت و تجمع‌های اعتراضی داشته‌اند.

## یادداشت‌ها

---

۱. psychological war
۲. Albert Van Dicey
۳. Chrles Horton Cooley
۴. Ferdinand Tonnies
۵. Hans Spiere
۶. Price & Roberts
۷. Agenda-setting
۸. W. Lippmann
۹. R. Park
۱۰. news-gathering
۱۱. N. Luhmann
۱۲. quality of life
۱۳. c.mauffe
۱۴. Laclau
۱۵. Toffler
۱۶. fliker

۱۷. ایلام علاوی

۱۸. Youtube
۱۹. e G8
۲۰. فیس‌بوک (Facebook) بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی دنیاست که در حال حاضر حدود ۴۰۰ میلیون نفر کاربر دارد. در رده‌بندی برترین وب‌گاه‌های دنیا، فیس‌بوک در رده دوم قرار دارد و در بسیاری از کشورها پربیننده‌ترین وب‌گاه محسوب می‌شود و در بیش از ۱۰۰ کشور محبوب‌ترین شبکه اجتماعی است.
۲۱. Gigi Ibrahim
۲۲. Jaikumar Vijayan

۲۳. Is the role of social media in Egypt being overstated?

۲۴. [www.blogscomputerworld.com](http://www.blogscomputerworld.com)

۲۵. [www.socialbakers.com](http://www.socialbakers.com)

۲۶. [http://blogs.computerworld.com/17810/is\\_the\\_role\\_of\\_social\\_media\\_in\\_egypt\\_being\\_overstated](http://blogs.computerworld.com/17810/is_the_role_of_social_media_in_egypt_being_overstated)

۲۷. حركة شباب ۶ أبريل

۲۸. تقرير الحركات المصرية (حركة شباب ۶ أبريل)، مؤسسة كارينغي للسلام الدولي.

۲۹. در این باره می‌توان به فضا سازی درباره این ادعا که یک وب‌گاه ایرانی با نام «الرحیل» به جهاد شهادت طلبانه در بحرین دعوت می‌کند و ادعای پیوند میان این وب‌گاه و مقامات مسئول دولت ایران از سوی شبکه العربیه اشاره کرد.

۳۰. Islamophobia

### کتابنامه

اسدی علی (۱۳۷۱)، *افکار عمومی و ارتباطات*، تهران: سروش.  
اندرو هاموند (۲۰۱۱)، رویترز، ۱۶ مه.

«انقلاب‌های اینترنتی» (۱۳۹۰)، [bbc.com/persian/1/3/2011/03/2011032011\\_egypt\\_elections.html](http://bbc.com/persian/1/3/2011/03/11032011_egypt_elections.html).

«اینترنت و ناآرامی‌های تونس» (۲۰۱۱)، گزارش تلویزیونی الجزیره قطر، ۲۴ ژانویه.

البغلی، علی احمد (2011)، «تویتر هو البطل من تونس إلى القاهرة»، *الكويت: القبس*، 31/01/2011.

تافلر، الوین و هایدی (۱۳۸۰)، *به سوی تمدن جدید: سیاست در موج سوم*، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: علم.

«تقرير الحركات المصرية» (حركة شباب ۶ أبريل)، مؤسسة كارينغي للسلام الدولي  
<http://egyptelections.carnegieendowment.org>

روکفوی، کریستوف، تلویزیون ای‌اف‌پی (AFP TV)، ۲۷ ژانویه، ۲۰۱۱.

صلاح، نصر (۱۳۸۱)، *جنگ روانی*، ترجمه محمد حقیقت، تهران: سروش.

العیسی، یوسف (۲۰۱۱)، *صحيفة الوطن*، الكويت، ۲۳ مه.

الملوانی، هانیه (۲۰۱۱)، «الانتفاضة المصرية ابنة شرعية للشباب لا للمعارضة التقليدية»، *ميدان*، ایست أونلاین، ۲/۱.

«فضای تبلیغی شبکه‌های تلویزیونی بی.بی.سی»، فرانس ۲۴، الجزیره قطر، العالم، روسیالیوم، العربیه، المنار، الفرات و... شبکه‌های اجتماعی Facebook، Flikker، Youtube، Twitter

- Atton, Chris (2003), "Reshaping Social Movement Media for a New Millennium", *Social Movement Studies*.
- Berton, M. (1984), "Relating competence", *Jurnal of progressive human services*.
- Cory, Johnson, *Bloomberg News*, 2 Feb 2011.
- Divison, Philip (1989), "Public Opinion, Precedent and Definition," *International Encyclopedia Communication*, Valume, Published Jointly with the Annenberg School of Communications, University of Pensilvania.
- Giltlin, Todd (1980), *The whole world watching*, Berkeley:university of California press.
- Heywood, Andrew (1998), *Politics*, London: Macmillan.
- Laclau and c.mauffe (1985), *Hegemony & social strategy: to wards democratic poltics*, London: Verso.
- Lippmann, W. (1922), *Public Opinion*, New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Luhmann, N. (1971). "Sinn als Grundbegriff der Soziologie", In J. Habermas & N. Luhmann (Eds.), *Theorie der Gesellschaft oder Sozialtechnologie*, Frankfurt a.M.: Suhrkamp.
- Marmura, Stephen (2008), "A net advantage? The internet, grassroots activism and American Middle-Eastern Policy", *New Media Society*.
- Rahim Khani, Lemonade, 22 June 2011.
- Park, R. (1940), "News as a form of knowledge", *American Journal of Sociology*.
- Price V. et D. F. Roberts (1987), *Public Opinion Process*, In C. R. Berger et S. Chaffe, *Handbook of Communication Science*, Newbury Park, Sage.
- "Sarkozy Opens Historic Forum on Future of Internet in Runup to G8", *Guardian*, 24 May, 2011.

Wasserman, Herman (2007), "Is a New Worldwide Web Possible? An Explorative Comparison of the Use of ICTs by Two South African Social Movements", *African Studies Review*, Volume 50, Number 1 (April).